

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار و تابستان ۹۶، صفحات ۲۱۱-۲۳۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۴

بررسی تاریخ‌نگاری مسکویه در تجارب‌الامم با تأکید بر منابع

حسن مجربی^۱

سیدابوالفضل رضوی^۲

چکیده

اگرچه بررسی کارنامه تاریخ‌نگاری مسکویه منحصر در کتاب تجارب‌الامم نیست، می‌توان گفت شاکله اصلی تاریخ‌نگاری وی را در بر می‌گیرد. مسکویه مورخ برجسته سده‌های چهارم و پنجم هجری از بنیان‌گذاران تاریخ‌نگاری انتقادی به شمار می‌رود که با تألیف آثار خود نگرشی خاص را در تاریخ‌نگاری اعمال کرده است. شیوه‌ای که او در تاریخ‌نگاری استفاده کرده در روند تکوین افق‌ها و کلیت تاریخ‌نگاری تأثیری بسزا بر جای گذاشته است. موضوع اصلی این نوشتار شناسایی منابع اطلاعات تاریخ‌نگاری مسکویه در تجارب‌الامم است. استفاده از متون منابع ادبی و تاریخی ایران باستان، به کار گرفتن متون تاریخ‌نگاری اسلامی و استفاده از تحقیقات میدانی چون فراگرفتن اخبار و شواهد تاریخی از شاهدان و ناظران قضایا و تأمل در رویدادهای زمانه، آن هم در ارتباط با تحولات و رخداد‌های دوره‌های تاریخی، از جمله محورهای اصلی منابع و شیوه‌های ابن مسکویه در کسب اخبار و معرفت تاریخی برای نوشتن تاریخ بوده که وی را میراث‌دار سنت تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی ساخته است.

کلیدواژه‌گان: تاریخ‌نگاری، مسکویه، تجارب‌الامم، منابع شفاهی، مکتوب.

mojarabi398@gmail.com

razavi_edu@yahoo.com

^۱ - دانشجوی دکترا عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی (نویسنده مسئول)

^۲ - دانشیار دانشگاه خوارزمی

Investigation of Moskuya Historygraphy in Tajarob-Al-Omam with Emphasis on Resources

Abstract

Although the study of the historiography of Moskuya is not limited to the book of Tajarob-Al-Omam, it can be said that the main branch of his historiography includes. The prominent historian of the fourteenth and fifth centuries is one of the founders of critical historiography. Who, by composing his works, has made a special attitude in the historiography. The way he uses historiography has had a profound effect on the development of the horizons and the entire history of historiography. The main subject of this paper is to identify the sources of information on the history of Moskuya in Tajarob-Al-Omam. The use of literary and historical sources of ancient Iran, the use of Islamic historiography texts, and the use of field research, such as the acquisition of historical news and evidence from witnesses and observers of events and reflection on events of the time, also in connection with the developments and events of historical periods, is one of the main axes of the sources and practices used by Ebn-E- Moskuya in gaining historical news and historical knowledge for writing history that has led him to be inherited from the tradition of Iranian and Islamic historiography.

Key words: historiography, Moskuya, Tajarob-Al-Omam, oral sources, written.

مقدمه

ابوعلی مسکویه رازی مورخ برجسته سده‌های چهارم و پنجم هجری است که، با تاریخ‌نگاری خود مبتنی بر تحلیل و تعلیل، افق‌هایی روشن در تاریخ‌نگاری اسلامی گشوده است. تجارب‌الامم در زمره توارخ عمومی به شمار می‌رود که در آن مسکویه از طوفان نوح تاریخ خود را شروع می‌کند و تا دوران آل بویه ادامه می‌دهد. موضوع اصلی این نوشتار شناسایی منابع مسکویه در کتاب تجارب‌الامم و روش تاریخ‌نگاری وی در آن و همچنین سرچشمه‌ها و منابع فکری مسکویه است. محور اصلی این مقاله بر یافته‌هایی استوار است که از پاسخ به پرسش‌های زیر به دست آمده است: ۱. مسکویه در تجارب‌الامم از چه منابعی استفاده کرده است؟ ۲. شناسایی این منابع چه ارزش و فایده‌ای دارد؟ ۳. بن‌مایه‌های فکری مسکویه در حوادث تاریخی چه بوده است؟

در باب پیشینه پژوهش باید ذکر شود تاکنون کتاب‌هایی بسیار در شرح احوال و آثار و کارهای علمی مسکویه نوشته شده است. ابوالقاسم امامی در ترجمه کتاب تجارب‌الامم اطلاعاتی ارزشمند از زندگی و آثار مسکویه در اختیار اهل تحقیق قرار می‌دهد. عنایت الله فاتحی‌نژاد در مقاله «نکاتی درباره ابوعلی مسکویه و کتاب تجارب‌الامم» در باب نام کتاب و منابع مسکویه اطلاعاتی عرضه می‌کند. ولی در مقاله مذکور به طور کامل به منابع و سرچشمه‌های فکری مسکویه پرداخته نمی‌شود. مهدی کیوان در مقاله‌ای با عنوان «تجارب‌الامم اثری مهم در باب تاریخ اسلام و ایران» مطالبی ارزشمند آورده و از منابع آن هم سخن گفته است؛ ولی در چارچوب و مسئله تحقیق ابهاماتی بسیار وجود دارد. همچنین محمّد فضائلی بخشی از تجارب‌الامم مربوط به سال‌های ۲۹۷-۳۲۹ قمری را با مقدمه‌ای دل‌نشین و مفید، بدون هیچ فهرستی، در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسانده است. همچنین مقدمه‌ای بر کتاب تجارب‌الامم لئون کایتانی ترجمه پرویز ادکایی در سال ۱۳۶۳ نوشته شده است که از لحاظ روش‌شناسی تاریخی خیلی مفید است. با وجود این، تحقیقی مستقل در باب تاریخ‌نگاری مسکویه به لحاظ منبع‌شناسی صورت نگرفته است.

زندگی‌نامه مسکویه

ابوعلی مسکویه فیلسوف و مورخ بزرگ قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هجری و از چهره‌های حکمت، تاریخ و اندیشه اسلامی است که از سال ۳۲۰ تا ۴۲۱ هجری - یعنی یک قرن کامل - در درخشان‌ترین و شکوفاترین ادوار تمدن اسلامی زیسته است. مسکویه در حدود سال ۳۲۰ ق در اطراف ری متولد شد (حموی، بی‌تا: ۵؛ خوانساری، ۱۳۹۰: ۲/۲۵۴). از دوران رشد ابوعلی اطلاع چندانی در دسترس نیست. حدود دو دهه نخستین عمر خود را در ری گذراند؛ سپس به دربار آل‌بویه در بغداد پیوست و حدود دوازده سال مصاحب و ندیم ابومحمد حسن مهلبی، وزیر امیر معزالدوله دیلمی، بود (سجستانی، ۱۳۵۳: ۳۴۶). سپس هفت سال نیز در خدمت ابن عمید در دربار رکن‌الدوله در ری بود (ثعالبی، ۱۳۰۴ ق: ۱۵) و سمت کتابداری و نگاهداری اسناد و مدارک را داشت. پس از قتل ابوالفتح ابن عمید، همکاری با دستگاه صاحب بن عباد را نپذیرفت و مستقیماً به خدمت یکی از فرمان‌روایان آل بویه درآمد. پس از مرگ عضدالدوله به خدمت پسرش صمصام‌الدوله رسید (سجستانی، ۱۳۵۳: ۳۴۷). وی از معاصران ابوعلی سینا بود و با ابوحنیفان توحیدی و بدیع‌الزمان همدانی نیز مکاتبه داشت (توحیدی، ۱۴۱۷ ق: ۱۸؛ ابن‌العبری، ۱۹۹۲ م، ۱۷۶).

ابوسلیمان سجستانی مسکویه را از اعیان زمان دانسته و او را بسیار گرامی داشته است (سجستانی، ۱۳۵۳: ۳۴۷). صفدی در «الوافی للوفیات» اظهار می‌دارد که مسکویه به علوم پیشینیان آگاه بود و کتاب‌های فلسفی و تاریخی بسیاری تصنیف نموده است (صفدی، ۱۴۲۰ ق: ۸/۱۰۹). ثعالبی هم در تتمه «یتیمه الدهر» تصریح می‌کند که ابوعلی در قلعه فضل، ادب، بلاغت و شعر قرار دارد (ثعالبی، ۱۴۰۳ ق: ۲/۹۶). توحیدی هم، با آنکه اعتقاد چندانی به مدارج علمی و فکری مسکویه ندارد و با آنکه آزمندی او و اشتغالات کیمیاگرانه‌اش را تحقیر می‌کند (توحیدی، ۱۴۲۵ ق: ۸۳)، کاملترین گزارش موجود از آرا و اندیشه‌های او را در باب مسائل ادبی و فلسفی در کتاب عمده دیگرش «الهوامل و الشوامل» به دست می‌دهد (ماجد، ۱۳۷۲: ۲۰۴).

ظاهراً مسکویه در فلسفه نظری کمتر دارای شهرت است و تألیفاتی مهم در این باب از

وی بر جای نمانده است. بلکه اهمیت اساسی مسکویه در فلسفه اخلاقی او است. او مذهبی فلسفی در اخلاق از خود برجای گذاشت که تا امروز پیوسته در مشرق‌زمین دارای اهمیت بوده است و آن ترکیبی است از آراء افلاطون، ارسطو، جالینوس و شریعت اسلام (هنری، ۱۳۶۲: ۱۲).

آثار و تألیفات مسکویه

آثار و تصانیف وی بی‌شمار و در عرصه‌های مختلف تاریخ، فلسفه، کلام، فقه، اخلاق و ادب است که به صورت آثار مفصل چند جلدی، رسالات کم‌حجم و نیز مقالات کوتاه عرضه کرده است که متأسفانه چندین اثر از وی بیشتر در دسترس نیست. اما از جهت کثرت آثار و تألیفات می‌توان او را با طبری مقایسه می‌کنند. مهم‌ترین آثار مسکویه شامل چند دسته تاریخ، سیاست، فقه، کلام، ادب، فلسفه و منطق می‌شود که برخی موجود است و برخی دیگر نیر مفقود شده است. اما برخی از آثار وی عبارت است از:

- ۱- الفوز الاکبر، در اخلاق (بغدادی، ۱۹۵۱، ۱/۷۳؛ زرکلی، ۱۹۸۹، ۱/۲۱۲)؛
- ۲- کتاب الفوز الاصغر» بحثی درباره سه اصل توحید، معاد و نبوت؛
- ۳- «فی ماهیه العدل» که به ابوحنیفان توحیدی نوشته و در آن به تقسیم انواع و اقسام عدل از طبیعی و وضعی والهی و اختیاری پرداخته است (محقق، ۱۳۷۱: ۷۲۲)؛
- ۴- «أنس الفرید» یا «أنس الخواطر» که مجموعه‌ای از اشعار و اخبار و حکمت‌ها و امثال است. درباره این کتاب گفته‌اند «این کتاب بهترین کتابی است که درباره داستان‌های کوتاه و نکته‌های لطیف نوشته شده است» (قفطی، ۱۳۷۱: ۲۱۷)؛
- ۵- «جاویدان خرد» یا «الحکمة الخالدة» کتابی در حکمت عملی؛
- ۶- «احوال الحکماء السلف» رساله‌ای است که در احوال حکماء نوشته است؛
- ۷- «مختار الاشعار» که همان کتاب المستوفی است در باب اشعار برگزیده؛
- ۸- «کتاب الاشریة» که هبة الله بن صاعد حکیم و طبیب معروف به ابن التلمیذ نصرانی

آن را مختصر کرده است؛

۹- «تجارب‌الامم» که در تاریخ عمومی است از خلافت آدم تا سال ۳۶۹ هجری را در بر می‌گیرد. به نوعی می‌توان گفت که مهم‌ترین اثر تاریخ‌نگارانه وی همین کتاب است که در دوره‌های بعد از او مورد توجه بسیاری از مورخان اسلامی نظیر ابن اثیر و ابن خلدون قرار گرفته بود؛

۱۰- آداب العرب و الفرس؛

۱۱- «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق» مهم‌ترین تصنیف فلسفی و اخلاقی ابن مسکویه که نام او را در مشرق زمین شناسانده همین کتاب است و آن مجموعه‌ای است از آرای اخلاقی افلاطون و ارسطو و جالینوس و احکام شریعت اسلامی (مسکویه، ۱۳۹۸ق).

۱۲- «ترتیب السعادات و منازل العلوم» که در کتاب «تهذیب اخلاقی» از آن نام می‌برد.

روش تاریخ‌نگاری ابن مسکویه

روش تحقیقی مسکویه در کتاب تجارب‌الامم مبتنی بر تعلیل و انتقاد است که او به‌خوبی این وظیفه خود را انجام داده است. نگاه انتقادی مسکویه موجب شده است تا دوست و دشمن در صورت مستحق بودن از آن در امان نمانند. مسکویه را باید نخستین مورخی دانست که راه به فلسفه تاریخ برده و شکل تاریخ‌نگاری او به تاریخ‌نگاری امروز بسیار شبیه است. او در کنار دانشمندانی همچون توحیدی، عامری و سجستانی روش فلسفی را با نوعی رویکرد تاریخ‌گرایانه درآمیخت. به طوری که می‌توان گفت که مسکویه با تعمق در علوم عقلی پیش از ابن خلدون وجهه نظر فلسفی را با دقت در تاریخ‌نویسی جمع کرده است. بنا بر نظر برخی از تاریخ‌نگاران معاصر، مسکویه بر آن است که کهن‌ترین تاریخ ثبت شده تاریخ شاهان ایران است؛ بنابراین کتاب را با تاریخ ایشان شروع کرده و تا پایان ساسانیان ادامه داده است (سجادی، ۱۳۷۵: ۱۲۱) به هر حال نمی‌توان با قطعیت و یقین کامل این ادعا را پذیرفت. ولی در تاریخ‌نگاری مسکویه شاهد سبکی نو از تاریخ‌نویسی هستیم که در مورخان قبل از وی دیده نمی‌شود. بنابراین مهم‌ترین ویژگی‌های روش تاریخ

نگاری مسکویه عبارت است از:

۱- پرهیز از روش نقلی در گزارش‌ها: مورخانی که قبل از مسکویه زندگی می‌کردند از شیوه تاریخ‌نگاری روایی استفاده می‌کردند. حتی طبری هم که مسکویه از وی پیروی می‌کرده است از روش روایی استفاده نموده و به تحلیل و تبیین نمی‌پرداختند. اما مسکویه در تاریخ‌نگاری خود از روش نقلی رویگردان بود و سعی‌اش بر این بود تا با تجزیه و تحلیل حوادث به درستی یا نادرستی آن دست یابد. مسکویه معتقد بود که بیشتر تاریخ‌های گذشته مملو از قصه‌های بی‌فایده و افسانه‌های خواب‌آور است (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۴۸) که هیچ تجربه و عبرتی برای دیگران ندارد؛ از این رو تلاش کرد از آن میان فقط چیزی را یاد کند که درست و برای همگان سودمند و تجربه‌آموز است.

ابوعلی مسکویه از جمله مورخانی است که مستقیماً روزگار خود و عملکرد امرای آل بویه را نقد کرده است. مسکویه تاریخ زمانه خود را مفصل‌تر و تحلیلی‌تر نوشته و علاوه بر این، آن را بی‌طرفانه، شجاعانه و به دور از مصلحت‌اندیشی به نقد کشیده است. مسکویه در جای‌جای تاریخش با توجه به دستاوردها و پیامدهای رخدادها و نقد آرای نادرست و شتاب‌زده قضاوت کرده است. در دیدگاه ابوعلی مسکویه، وظیفه مورخ نقد اوضاع و حوادث تاریخی روزگار است. اگر هدف از تاریخ تجربه‌آموزی باشد، باید آن را نقد کرد، خوب‌ها و بد‌ها را شناخت و از هم تمیز داد. قضاوت‌های مسکویه درباره تاریخ با توجه به پیشینه و پیامدهای وقایع صورت گرفته است، در حالی که مردم عادی وقایع را مقطعی می‌بینند و سوده‌های آنی را در نظر می‌گیرند و قضاوتشان نیز بر همین اساس است. مسکویه ریشه نابسامانی‌های اقتصادی را حمایت نکردن حکومت از سرمایه‌داران و حساب‌رسی کمی، و نه کیفی، از آنان می‌داند (مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۱۳۴). در این دوره حکومت آل بویه برای پرداخت مواجب سپاهیان و هزینه‌های روزانه درباریان و متملقان، جز مصادره اموال مردم و تجار راهی نمی‌شناخت، که آن نیز توسل به زور و خشونت و گسترش خیرچینی را در پی داشت. ابوعلی مسکویه در دوره آل بویه از گرانی ارزاق، قحطی، اوضاع بد اقتصادی، شیوع بیماری‌ها، مرگ و میر، و زمین‌لرزه‌ها سخن می‌گوید که خسارات سنگین مالی و جانی بر دوش مردم تحمیل می‌کرد. او همه اینها را ناشی از ضعف حکومت‌گران در مدیریت صحیح

و برنامه‌ریزی دقیق می‌داند. رفتار خشونت‌آمیز حکومتگران آل بویه در رویارویی با مردم به شورش‌های مردمی می‌انجامید که بر نابسامانی‌ها می‌افزود. زدوبندهای سیاسی و اقتصادی و رشوه‌خواری‌های کلان از جمله مواردی است که مسکویه به نقد می‌کشید. مشکل دیگر حکومت آل بویه سپاه بود. چشم‌پوشی رکن الدوله از نادرستی‌های سپاه عامل نابسامانی دیگری بود که حکومت آل بویه بدان دچار بود.

۲- مسکویه به علت بهره‌گیری از اسناد و بایگانی‌های دولتی توانسته است به تبیین و تحلیل رویدادها نیز بپردازد و این باعث می‌شود تاریخ‌نگاری او از توصیف صرف خارج شود و به تحلیل و تبیین آنها نیز بپردازد.

۳- تشخیص درست و دقیق بر پایه خرد در بیان رخدادها از جمله صفات بارز تاریخ‌نگاری مسکویه است. مسکویه آن دسته از روایت‌های تاریخی را شایسته ذکر کردن می‌دانست که خرد انسانی توانایی فهم آن را داشته باشد. به همین سبب وی به ویرایش و گزینشی عقلانی در میان اطلاعات تاریخی که به دست او رسیده بود پرداخت و از ذکر معجزه‌های پیامبران خودداری می‌کند؛ چرا که معتقد بود مردم روزگار وی در پیشامدها پندی از آن نمی‌توانند بگیرند (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۴۸).

۴- یکی دیگر از روش‌های تاریخ‌نگاری مسکویه نگرش علی به حوادث است. او به دنبال آن است که برای حادثه‌ای علتی پیدا کند. همین عامل باعث شده است که روزنتال درباره مسکویه و روش تاریخ‌نگاری وی بنویسد: «در تاریخ نویسی بر پایه‌ای بلند ایستاده است. کم پیش می‌آید که وی به گزارش‌های بی ارزش تاریخ ارج نهد. آنچه را دارای ارزش تاریخی است به خوبی بازمی‌شناسد و روایات تاریخ را با سامانی خردپذیر بازمی‌گوید و پیوندی را که در میان حوادث وجود داشته است به خواننده‌اش می‌نماید» (روزنتال، ۱۳۶۴: ۱۹۷).

منابع ابن مسکویه در تألیف تجارب‌الامم و شناخت جایگاه و اهمیت آن منابع در تحقیقات تاریخی

از آنجا که ایران و عراق جزئی از سرزمین اصلی اسلامی بود و حتی علوم آن در قرن

چهارم و پنجم هجری از شرق تا غرب عالم توسعه یافت، این قرن را می‌توان عصر رنسانس علمی نامگذاری کرد. به همین سبب نیز منابع مهم و دسته اول هر دانشی از اقصی نقاط جهان اسلام به دانشمندان و عالمان این منطقه می‌رسید. اما به طور کلی منابع مورد استفاده ابوعلی مسکویه در تألیف تجارب‌الامم به دو بخش قبل از اسلام و دوره اسلامی تقسیم می‌شود.

در بخش ایران باستان مسکویه متونی با ارزش و بی‌نظیری را آورده است که در آثار مورخان بزرگی همچون طبری، یعقوبی، دنیوری، مسعودی، ثعالی، ابن اثیر، ابن خلدون و دیگران نیامده است. مانند «عهدار‌دشیر» و «سیره انوشیروان» که بی‌گمان از منابع دست اول در تاریخ و فرهنگ ایران دوره ساسانی است (مینوی، ۱۳۵۴: ۱۹). بخش دوره اسلامی، که گزارش روزگار مؤلف است، از مهم‌ترین و معتبرترین منابع تاریخ آل بویه در قرن چهارم قمری به شمار می‌رود. مسکویه شروع این بخش را با شرح حوادث سال ۳۴۰ قمری ذکر می‌کند: «بیشتر گزارش‌هایی که پس از این سال می‌آورم از مشاهده‌ها و دیده‌های خود من یا گزارشی است هم‌سنگ دیده‌های من که از دیگران شنیده‌ام (قفطی، ۱۳۷۱: ۱/۳۳۱). مسلماً در این شیوه آشنایی به دیگر زبانها، برای دریافت و فهم کامل شنیده‌ها و استفاده از منابع مکتوب، مزیتی برای مورخان محسوب می‌شود. برخی از مورخان به زبان‌های عربی، عبری، سریانی، یونانی و پهلوی آشنایی داشتند؛ مسکویه و مقدسی از آن جمله‌اند.

مسکویه برای گردآوری منابع شنیداری وقایع، فقط به قول یک فرد از افراد حاضر در صحنه رویداد اکتفا نکرده است. پرس و جوهای او از افراد دخیل در مسائل سیاسی، آگاهی او را از وضع اقوام، خاندانها، افراد و مسائل سیاسی، اقتصادی و... کامل تر می‌کرد (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۱۱۰). تجارب‌الامم از حیث اعتبار منابع و طرز تفکر نویسنده آن، جایگاه ممتازی دارد به گونه‌ای که اگر طبری را در نوشتن تاریخ فقیه و محدث، یعقوبی، مسعودی را جهانگرد، بیرونی را دانشمند، ثعالی را ادیب می‌یابیم مسکویه فیلسوفی است که کتابی حکیمانه در تاریخ نوشته است و در کار خود به اصالت عمل نظر داشته است (همان، ۲۰۱) وی در این کتاب بیان حوادث تاریخی و تجارب امتها به شیوه جدیدی دست زده است و برای بشر از تاریخ پند ساخته است (آینه وند، ۱۳۷۷: ۱/۱۵۱).

مسکویه ضمن موشکافی در منابعی مانند «کارنامه اردشیر بابکان» توجه به آیین و مذهب رایج عهد ساسانی و حفظ جغرافیای ایران و وجود پادشاهی قدرتمند و متمرکز را از زبان اردشیر بابکان تحلیل نموده است (فره‌وشی، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

به طور کلی منابع مورد استفاده ابو علی مسکویه در تجارب‌الامم به دو بخش قبل از اسلام و دوره اسلامی تقسیم می‌شود:

۱- منابع قبل از اسلام

قبل از بررسی منابع مورد استفاده ابن مسکویه در تجارب‌الامم، باید علل استفاده وی از منابع ایران باستان و چگونگی به دست آوردن آن منابع مشخص شود. مسکویه بر این باور است که کهن‌ترین تاریخ ثبت شده تاریخ شاهان ایران است. به همین دلیل، تاریخ خود را از سلسله افسانه‌ای پیشدادیان شروع و تا پایان ساسانیان ادامه داده و در خلال بحث از بابلیان، رومیان، یونانیان و اعراب باستان یاد کرده است. هدف مسکویه از اختصاص قسمت اعظم مطالب خود به ایران باستان شاید به سیاست‌های ممدوح او عضدالدوله دیلمی در احیای شاهنشاهی ایران در مقابل خلفای عباسی مربوط می‌شود. چون این کتاب در زمانی تألیف شده است که موجبات رهایی ایران را از اسارت حاکمیت عربی خلفای عباسی فراهم آمده بود، برای ایرانیان اهمیت دارد. با توجه به اینکه زادگاه ابن مسکویه شهر ری باستان محل تجمع ایرانیان شعوبی مذهب و مبارز علیه دولت عباسی بود (کایتانی، ۱۳۶۳: ۳۰۲) هدف مسکویه در تجارب‌الامم ارائه تصویری است از درون و مبانی ارزش‌های کم و بیش زنگار گرفته جامعه ایران در روزگار دیالمه در مقابل آرمانش که عبارت است از احیای آیین‌های ایرانی و روش‌های فرمان‌روایی ساسانیان. این موضوع با توجه به این است که عضدالدوله و ابن عمید را در احیای آداب و روش‌های کهن ایرانیان علاقه‌مند می‌بیند (مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/۱).

نکته شایان توجه این است که اندیشه مسکویه ایرانی اما نوشتار وی عربی است. وی نمی‌خواست برای خلفای عباسی فره ایزدی قائل شود. به همین دلیل خلیفه را «سلطان» می‌نامد (همان، ۱۱). در مقابل دولت آل بویه را به شیوه‌های کشورداری پادشاهان ساسانی فرامی‌خواند.

مسکویه دربارهٔ چگونگی به دست آوردن منابع ایران باستان می‌نویسد: در روزگار جوانی نام اندرزنامهٔ بزرگمهر را در کتابی از جاحظ (۱۵۰ تا ۲۵۵ق) دیده تا سرانجام آن را در فارس نزد موبدان موبد یافته است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۰۲). از طرف دیگر مسکویه، به دلیل نزدیکی ویژه‌ای که با امیران و وزیران آل بویه از جمله عضدالدوله و پسرش ابوالفتح یا ابن‌العمید و دیگران داشته است، کتابخانه‌هایی بسیار نفیس و باارزش - که وصف آنها در تاریخ کتابخانه‌های بزرگ تاریخ خواندنی است - در اختیار او یا زیر سرپرستی وی بوده است. کتابخانه‌هایی که نامه‌های باستانی و علوم و فنون نوین و برنامه‌های اسلامی آن زمان را در خود یک‌جا داشته و مسکویه در نوشتن تاریخ خود، چه در بخش قبل و چه بعد از اسلام، سود فراوان از آن جسته است (مسکویه، ۱۳۸۹: مقدمه/۱).

۱-۱- تاریخ طبری

یکی از منابع اصلی و مهمی که مسکویه در تألیف کتاب تجارب‌الامم خود از آن سود برده است تاریخ طبری است. چنانکه خود می‌نویسد:

«در این سال (۳۳۵ هجری) ابو بکر احمد بن کامل قاضی (ره) درگذشت. من کتاب تاریخ ابو جعفر طبری را به نزد او شنوائی کردم. او از یاران ابوجعفر بود و بسیار کتاب‌ها بر او خوانده بود؛ ولی من جز این کتاب ابوجعفر از او شنوائی نکردم؛ برخی از آن را بر او خواندم و پاره‌ای دیگر را به من اجازت داد» (مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۲۳۲).

وی بخش زیادی از مطالب کتاب خود در مورد دوران قبل از اسلام و حتی دوران اسلامی را از کتاب طبری بیان کرده است. برای مثال، سخنان منوچهرشاه افسانه‌ای ایران را عیناً از طبری نقل کرده است (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۳۰). طبری در تاریخ‌نگاری جهانی به موضوعاتی گوناگون مانند اخبار اسرائیلی، تاریخ عرب، تاریخ ایران و بصیرت‌های سیاست‌مداران حکام و والیان توجه کرده است و اکثر مورخان در تألیف کتاب خود به تاریخ طبری ارجاع می‌دهند. مسکویه در ذکر وقایع عصر اسلامی در تجارب‌الامم تا حدود سال ۲۷۰ق بیشتر بر تاریخ طبری اعتماد کرده است. ذکر وقایع سدهٔ سوم قمری در تجارب‌الامم به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد تاریخ طبری یگانه مأخذ مؤلف بوده و ابوعلی بدون

هیچ‌گونه‌تغییری در نثر طبری - بدون اینکه از وی نام برد- عبارت‌ها را عیناً نقل کرده است. همچنین، مسکویه در نقل این روایات فقط به تاریخ ایران عنایت داشته و از ذکر وقایعی که در سرزمین‌های عربی یا روم اتفاق افتاده و با ایران ارتباط نداشته است به کلی چشم پوشیده یا آنها را بسیار مختصر آورده است.

۱-۲- کتاب عهد اردشیر (اندرزنامه اردشیر بابکان)

مورخان اسلامی همگی به تاریخ از دیدگاه درس و اندرز نگاه کرده‌اند؛ اما تنها کسی که در این باب استدلال حکیمانه و فلسفی و دید اخلاقی داشته و به موارد تجربه و فواید عملی آن اشاره کرده است مسکویه است (زرباب خویی، بی‌تا: ۱۸۱). مسکویه کسب سعادت دنیا و آخرت را در بهره‌گیری درست از تاریخ می‌داند. یکی دیگر از منابع اصلی مسکویه در تجارب‌الامم کتاب «عهد اردشیر» است. احسان عباس در تألیف خود به نام «عهد اردشیر» می‌نویسد: «تجارب‌الامم یکی از منابع اصلی این اندرزنامه‌هاست» (عباس، ۱۳۴۷: ۵۸).

عهد اردشیر منقول در تجارب‌الامم که مشتمل است بر وصایای سیاسی اردشیر بابکان به شاهان بعدی دارای مطالب گوناگونی از این قبیل است: تأکید بر اتحاد دین و دولت، براندازی فرقه‌های بدعت‌گذار؛ طبقات چهارگانه رعایا («جنگجویان»، «روحانیون»، «دبیران و منجمان و پزشکان»، و «صنعتگران و بازرگانان و کشاورزان»); پرهیز از سهو، تن‌آسایی، بخل، خشم، ستم و حسد و تأکید بر میانه‌روی. از مطالب مهم عهد اردشیر سفارش پادشاه به انتخاب ولیعهد خوب است. او توصیه می‌کند که شاه نباید نام جانشین خود را آشکار کند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۱۶ و ۲۱۷).

مطالب این اندرزنامه با نامه تَنَسَّر (از روحانیان معروف اوایل دوره ساسانی) همانندی‌هایی دارد و چنان‌که از نام آن پیداست اصل آن احتمالاً به اوایل دوره ساسانی بازمی‌گردد. اما متن فعلی در اواخر دوره ساسانی تدوین شده است. اصل پهلوی کتاب عهد اردشیر از میان رفته است؛ اما گذشته از متن منقول در تجارب‌الامم، چند تحریر عربی دیگر از آن باقی مانده است. عهد اردشیر به کوشش احسان عباس در ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م در بیروت به چاپ رسیده است (عباس، ۱۳۸۷: ۱/۳۵).

عهد اردشیر در دوره اسلامی معروف بوده و در بسیاری از کتاب‌های تاریخ و ادب از آن یاد شده است (ابن بلخی، ۱۹۲۱: ۱/۶۰) به گفته جاحظ، دبیران از عهد اردشیر و امثال بزرگ‌مهر استفاده می‌کردند.

۱-۳- سیره انوشیروان

منبع سومی که در تاریخ‌نگاری مسکویه درباره حوادث قبل از اسلام استفاده شده است «سیره انوشیروان» است. مسکویه در واقع، با مطالعه سیره انوشیروان، چگونگی برخورد با گروه بدعت‌گذار و سیاست‌های مملکت‌داری، روابط دینی و خارجی، رسیدگی به امور مالیاتی و سایر موارد را برای اداره بهتر مملکت به عضدالدوله یادآوری کرده است و این یعنی آموختن عملی تجربه از تاریخ؛ درست است که به هدف نهایی خود نرسیده ولی بی‌تأثیر هم نبوده است.

به عبارت دیگر، تاریخ در نظر مسکویه مشتمل بر رویدادهایی است که انسان می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی خویش از آن پند بگیرد. هنگامی که انسان آن حوادث و ارزش‌های آزمون‌هایش را بشناسد و از آن پند بگیرد سبب خواهد شد تا از حوادثی که در تاریخ بر سر مردم آمده است اجتناب ورزد. از سویی مسکویه بر این عقیده است که رویدادهایی که در گذشته روی داده است و انسان از بررسی تاریخ بر آن آگاه می‌شود گویی همگی آزمون‌های خود او است و گویی خود بدان‌ها گرفتار شده است (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۴۶). از نظر مسکویه تاریخ که همان سیاست گذشته است و گنجینه‌ای از تجربیات، کوشش‌ها و موفقیت‌ها و ناکامی‌هاست.

زندگانی‌نامه خودنگاشت یا سرگذشت‌نامه خسرو انوشیروان، که متن آن فقط در تجارب‌الامم باقی مانده است، از منابع مهم در شناخت دوره پادشاهی خسرو انوشیروان محسوب می‌شود (ابن ندیم، بی تا: ۱/۳۶۴). این متن احتمالاً همان کتابی است که ابن ندیم در یک‌جا آن را «الکارنامه فی سیره انوشروان» (ص ۳۶۴) و در جای دیگر (همان: ۱۳۲) «التاج فی سیره انوشروان» نامیده و گفته است که ابن مقفع آن را به عربی برگردانده و ابان لاحقی هم آن را به شعر عربی درآورده است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۲۳). کارنامه انوشیروان در

میان نویسندگان دوره اسلامی معروف بوده و، افزون بر ابن ندیم، ابن بلخی نیز بدان استناد کرده است. متن منقول در تجارب‌الامم چنین آغاز می‌شود: «در آنچه انوشروان درباره زندگی خویش نوشته است خواندم. این زندگی‌نامه که مطالب آن به روایت اول شخص نقل شده دارای دوازده بخش است که هر یک با عبارت «قال انوشروان» آغاز می‌شود (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۱۸۸).

در بخش یکم و دوم، انوشیروان توطئه گروهی بدعت‌گذار را شرح می‌دهد که رهبر آنها در ملاقات با او شجاعانه عقاید خود را ابراز می‌کند و حتی قتل شاه را واجب می‌شمرد. بخش‌های سوم و چهارم مشتمل است بر سیاست‌های مملکت‌داری انوشیروان. در بخش پنجم او از معتقدان به دینی جز زردشتی (احتمالاً مسیحیان نسطوری) سخن می‌گوید که اشراف مملکت پنهانی آن را تبلیغ می‌کردند. بخش ششم مشتمل بر مذاکره انوشیروان با قبایل ترک شمالی (هونها) است که به اتحاد با ایشان انجامید. در بخش هفتم او از کارهای خود در بیست و هشتمین سال حکومتش (۵۵۹م) سخن می‌گوید. در بخش هشتم به کار معتمدانی پرداخته است که برای رسیدگی به امر مالیات‌ها مأمور شده بودند. در بخش نهم هم از پیمان بستن شاه با چهار دسته از ترکان ناحیه خزر در سی و هفتمین سال سلطنتش (۵۶۸م) سخن می‌رود. اظهار ندامت خاقان بزرگ از عهدشکنی‌های خود و تأکید بر دادگری، توجه پادشاه به روش‌های حکومتی اقوام دیگر و تسامح و تساهل مذهبی او، از دیگر بخش‌های این زندگی‌نامه است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۲۳، ۲۲۶).

۲- منابع دوره اسلامی

بخش دوم از روزگار پیامبر اکرم در جنگ خندق آغاز می‌شود. سپس روزگار ابوبکر، عمر، عثمان و امام علی و پیمان معاویه با حسن بن علی، ذکر حوادث و خلفای اموی، تا سال ۲۸۴ عصر مقتدی عباسی ادامه می‌یابد. در جلد دوم کتاب «تاریخ اعراب» وقایع خلافت مأمون تا مستعین از تجارب‌الامم نقل شده است. در این جلد تاریخ خلفای عباسی، زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ظهور امیران بویه‌ای، تاریخ ایران در دوران آل بویه، اوضاع دیوان، مواد غذایی، بیمارستان‌ها و قضاوت‌ها بحث شده است.

به‌طور کلی مهم‌ترین منابع ابن مسکویه در دوره اسلامی تاریخ طبری، گنجینه‌های

برزگ و گران بهای آل بویه، تاریخ ثابت ابن سنان، التاجی فی الدوله الدیلمیه، الوزرا ابوالحسین هلال بن محسن صابی و تحقیقات میدانی ایشان است. به طوری کلی این دسته از منابع را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: ۱. گنجینه و کتابخانه‌های آل بویه ۲. منابع فکری مسکویه.

۲-۱- گنجینه‌های بزرگ و کتابخانه‌های آل بویه

یکی از کتابخانه‌هایی که مورد استفاده مسکویه در نگارش تاریخ خود بوده است کتابخانه ابوالفضل بن عمید وزیر دانشمند رکن‌الدوله است. کتاب‌های کتابخانه ابن عمید را معادل صد بار شتر دانسته و گفته‌اند که او همیشه در مسافرت‌ها سی شتر از کتاب‌های ادبی لازم را بار می‌کرد و همراه خود می‌برد. خازن و کتابدار این کتابخانه بزرگ مورخ مشهور ابوعلی مسکویه رازی بود (مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۲۸۷؛ یاقوت حموی، ۱۴۰۰ق: ۵/۵). از دیگر کتابخانه‌های دوران آل بویه که مسکویه بهره‌هایی فراوان از آن برد کتابخانه عضدالدوله در شیراز بود. بی‌شک این کتابخانه یکی از مصادیق بارز کتابخانه‌های جهان اسلام با تمام ویژگی‌ها و مشخصات توصیف شده در گذشته است. بنا بر نظر ابن بلخی، کتابخانه عضدالدوله در شیراز تا اواخر سده پنجم هجری پایدار بوده است. او در این باره می‌نویسد: «دارالکتب نیکو است، آن قدر که آبادان مانده است» (ابن بلخی، ۱۳۴۳: ۱۷۴).

از دیگر کتابخانه‌های معروف دوره آل بویه باید از کتابخانه صاحب بن عباد نام برد. ابوعلی مسکویه ملقب به «خازن» از شخصیت‌های بزرگ علمی آن دوران در زمینه‌های حکمت، ریاضیات، کلام، اخلاق، طب، لغت، ادب و تاریخ (توحیدی، ۱۴۲۵ق: ۱۷۶) خود کتابدار کتابخانه ابن عمید بود. مسکویه، علاوه بر تصدی خازنی کتابخانه ابوالفضل بن عمید به مدت هفت سال (مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۳۳۵)، خازنی کتابخانه‌های ابوالفتح بن عمید و عضدالدوله را نیز برعهده داشته است. وی، خود به این مسئله اشاره کرده و گفته است که او از کارگزاران ویژه عضدالدوله بوده است (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۵۱). مقدسی می‌گوید «گنجوری از بزرگان شهر بر این کتابخانه (کتابخانه عضدالدوله) اشراف دارد» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۶۸).

۲-۲- منابع فکری مسکویه در تجارب‌الامم

مهم‌ترین منابع فکری مسکویه عبارت است از:

۲-۲-۱- تاریخ ثابت ابن سنان

مسکویه با مطالعه کتاب‌های تاریخی بسیار از جمله «تاریخ گم‌شده» اثر ثابت بن سنان (۳۴۰-۲۹۵ ق) فهم و بصیرت تاریخ‌شناسی خود را به کمال رساند. ثابت بن سنان طیب و مورخ در خدمت دولت عباسی بوده و تاریخ زمان معاصر خویش را از سال‌های اواخر قرن سوم تا سال ۳۶۰ هجری به رشته تحریر درآورده است. این کتاب اکنون در دست نیست، بنابراین ما فقط به واسطه مسکویه از مطالب آن آگاه هستیم و این بر ارزش کار مسکویه از جنبه تاریخی می‌افزاید.

۲-۲-۲- «التاجی فی الدوله الدیلمیه»

از اوایل سده ۴/۱۰م که مؤلف دیگر مأخذی کامل و معتبر همچون تاریخ طبری را در دست نداشته از منابع مهم و معتبر دیگر همچون کتاب «التاجی» اثر ابواسحاق ابراهیم صابی (د ۳۸۴ق) و «تاریخ» ثابت بن سنان (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۳۱۲) و تواریخ دیگر استفاده کرده‌است. اما، جز در مواردی اندک، نام آن نویسندگان را نیاورده است. از آنجا که این منابع امروزه در دسترس ما نیست، این بخش از کتاب تجارب‌الامم از اهمیتی ویژه برخوردار است (روذراوی، ۱۳۷۹: ۷/۳۳).

۲-۲-۳- کتاب «الوزراء» اثر ابوالحسین هلال ابن محسن صابی (د ۴۴۸ق)

نوه ابوالحسین هلال ابن محسن صابی و بخشی از تاریخ او امروز در اختیار ماست. هلال صابی بی‌شک کتاب جدش یعنی التاجی را در اختیار داشته و در کتاب خود از آن بهره برده است؛ چنان‌که روذراوی نیز قطعاتی از التاجی را نقل کرده است (همان، ۷۰).

شباهت برخی از عبارات در تجارب‌الامم با الوزراء صابی این نظر روذراوی را به‌خوبی اثبات می‌کند و نشان می‌دهد که هلال صابی و ابوعلی مسکویه هر دو از کتاب التاجی بهره برده‌اند (مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/۶۱؛ صابی، ۱۹۵۸: ۳۰-۳۱-۵۱-۵۳).

به هر حال، میان کتاب‌الوزراء و تجارب‌الامم در ذکر وقایع اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم هجری همانندی‌هایی بسیار است که نشان می‌دهد مؤلف هر دو کتاب در ذکر وقایع این سال‌ها از منابع مشترک استفاده کرده‌اند (همان، ۳۴۰-۳۴۳-۳۱۰-۳۱۴؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۹۵-۱۶۶-۲۶۰-۵/۲۵۸). این همانندی‌ها به اندازه‌ای است که مصحح کتاب‌الوزراء گاه اشتباهات یا افتادگی‌های نسخه‌ی اساس خود را با اتکا بر تجارب‌الامم تصحیح یا تکمیل کرده است (صابی، ۱۹۵۸: ۳۱۴-۳۱۵؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۹۴-۹۵/۵).

۲-۲-۴- آگاهی‌ها و مشاهدات خویش

بی‌شک مهم‌ترین بخش کتاب تجارب‌الامم شرح وقایعی است که در روزگار مؤلف اتفاق افتاده و این کتاب را به مهم‌ترین منبع سده چهارم هجری و به‌ویژه تاریخ آل بویه، بریدیان و حمدانیان تبدیل کرده است (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۱). به‌ویژه که مؤلف برخی از نامه‌ها و توقیعات را که ارزش تاریخی بسیار دارد ضمیمه کتاب کرده است. بخشی از کتاب نیز حاصل دیده‌ها و شنیده‌های خود مؤلف و یا نقل از کسانی است که خود شاهد وقایع بوده‌اند. همچنین اخباری که وی مستقیماً از قول وزیران آل بویه، به‌ویژه ابوالفضل ابن عمید - که به‌گفته خود هفت سال ندیم وی بوده است - و نیز ابومحمد مهلبی و ابوالفتح ابن عمید نقل کرده است، از اهمیت فراوان برخوردار است (مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۱۵).

ابوعلی مسکویه در ذکر حوادث سال ۳۴۰ ق تصریح کرده که پس از این بیشتر آنچه را نقل می‌کند وقایعی است که یا خود شاهد آن بوده یا از قول شاهدان عینی و به‌ویژه بزرگانی چون ابن عمید و ابومحمد مهلبی شنیده است.

معیارهای مسکویه در استفاده از منابع

۱- دقت و اعتبار منابع

به‌طور کلی جریان غالب در تاریخ‌نگاری اسلامی با فقها و مورخان جنبه محور تداوم و تثبیت یافته بود، نقل یا ثبت اخبار تاریخی بر اساس اسناد، شواهد، مشاهدات شاهدان و روایات روایان اخبار، جزئی‌نگری و توجه به امور جزئی که تاریخی و زمان‌محوری و ثبت رخدادها بر اساس معیار توالی و نسبت زمانی وقوع آنها ویژگی‌هایی سه‌گانه است که

می‌توان برای سنت تاریخ‌نگاری اسلامی تعریف کرد (صدقی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). در تاریخ‌نگاری اسلامی مورخانی متفکر بودند که فراتر از ویژگی‌ها و ارزش‌های تاریخ‌نویسی خبری فکر می‌کردند و تاریخ می‌نوشتند. اما، به واسطهٔ تداوم شرایط و زمینه‌های اجتماعی و فکری مؤثر در تاریخ‌نگاری اسلامی، در جوامع اسلامی چنین ساحت معرفتی هم از حیث مبانی معرفتی و روش‌شناختی چندان تغییر و تحولی نیافت و در شکل معرفتی غالباً خبری و زمان‌مند و جزئی‌نگر باقی ماند (همان، ۱۳۴).

روش طبری در نگارش تاریخ این گونه بود که برای ثبت حادثه‌ای تاریخی نقل قول‌هایی متعدد را از راویان گوناگون می‌آورد و داوری را به خواننده می‌سپرد. اگرچه در بعضی از موارد تأیید خود را دربارهٔ بعضی از منقولات ذکر کرده و یا گاه نظر تردیدآمیز خود را اعلام کرده است (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱/۱۴۰).

این گروه از مورخان در تاریخ‌نگاری عنصر عقل و خرد را دخالت نمی‌دهند و «نقل» را مرجح می‌شمارند. از این رو، روایات مختلف و گاه متضاد را بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف و تهذیب و پالایش گرد می‌آورند و عرضه می‌کنند (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۷). اما مسکویه شیوه‌ای دیگر پیش گرفته است و با حذف سلسلهٔ اسنادها از یک‌سو و انتخاب و تهذیب روایاتی که به نظرش درست‌تر است و نیز اظهار نظرها و تحلیل‌هایی، از سوی دیگر، کوشیده است ساختاری یک‌دست، پیوسته و منسجم از تاریخ به دست دهد. از این رو، وقایعی را درخور ذکر و دارای ارزش تاریخی دانسته است که سازگار با عقل و منطق و به دور از مبالغه و خرافات باشد، تا انسان در زندگی فردی و اجتماعی بتواند از آن عبرت گیرد (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۲۷۰) و بر تجارب خویش بیفزاید. از این رو، محققان تجارب‌الامم را نوعی تاریخ تحلیلی دانسته‌اند.

۲- نقد و گزینش حوادث تاریخی

در همهٔ اعصار، تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی با تحول و تطور کلی علوم در اسلام پیوندی نزدیک داشته است و جایگاه معرفت تاریخی در تعلیم و تربیت اسلامی بر سطح فکری تاریخ‌نگاری اثری قاطع باقی گذاشته است (روزنتال، ۱۳۷۵: ۴۴). مؤلف فیلسوف

تجارب‌الامم برای نخستین بار در تاریخ‌نگاری عصر اسلامی، حوادث را مورد تحلیل و دقت عقلانی قرار داده است. در نظر ابوعلی مسکویه تاریخ بشر آزمایشگاهی برای تحصیل تجربه و استفاده از آن در سیاست مدن و تدبیر منزل و تهذیب اخلاق است. وی بر آن است که ذکر حوادث یا واقعه‌نگاری صرف نمی‌تواند این هدف را تحقق بخشد، مگر آنکه حوادث مشابه با یکدیگر مقایسه شود و علل و اسباب پیروزی‌ها، شکست‌ها و ظهور و انقراض دولت‌ها ذکر گردد (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۶). البته گفتنی است که ابوعلی مسکویه نیز همچون ابن خلدون در عملی ساختن دیدگاه‌های خود درباره فلسفه تاریخ - آن گونه که هر دو در مقدمه کتاب خود گفته‌اند - توفیق چندانی نیافته و در بیشتر موارد فقط به وقایع‌نگاری صرف روی آورده است. گرچه تجارب‌الامم تاریخ عمومی است، هسته اصلی و قسمت اعظم مطالب این کتاب به تاریخ ایران اختصاص دارد. چنان‌که از عنوان فصل‌های این کتاب («پیشدادیان و معاصران ایشان»، «کیانیان و معاصران ایشان» و...) پیداست، (کایتانی، ۱۳۶۲: ۱۲) ابوعلی مسکویه افسانه‌های یهودی را رها کرده و از تاریخ عربستان پیش از اسلام فقط به رویدادهایی اشاره کرده است که مستقیماً با تاریخ ایران مرتبط است. افزون بر این، مورخ در تجارب‌الامم بر پایه اصول تاریخ‌نگاری خود از یک سو مطالب منابع خود را بسیار تلخیص کرده، یا از روایات مختلف یکی را برگزیده و از سوی دیگر گزارش‌های افسانه‌آمیز را به کلی رها کرده یا، در صورت اشاره به آنها، توجیه و تفسیری عقلانی و خردپسندانه از آنها کرده است؛ مثلاً مارهایی را که بر کتف بیوراسب (ضحاک) روییده بود به دو زایده گوش‌تین تعبیر کرده است که ضحاک به خواست خود آنها را چون دو دست خویش می‌جنانید تا فرودستان و نابخردان از وی بهراسند (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۵۵).

نتیجه

ابوعلی مسکویه از جمله مورخان است که در تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی تأثیراتی فراوان بر جای گذاشته است. مسکویه با آن نگاه فلسفی در مقایسه با مورخان پیشین خود رویکردی عقلانی درباره حوادث تاریخی برگزیده است و این امر در اکثر آثار وی به وضوح نمایان است. در کانون تاریخ‌نگاری مسکویه، تعلیل و انتقاد جای دارد. این نوع نگاه نقادانه مسکویه در استفاده از منابع او و شیوه تاریخ‌نگاری او هم تأثیرگذار بوده است. وی در

انتخاب منابع بسیار دقت می‌کرد. به طوری که به سرچشمه‌ها و منابع فکری بسیار معتبر مراجعه کرده و از روش روایی اجتناب و تکیه اصلی خود را بر تعلیل بنا نهاده است. به طوری که می‌توان او را مورخی صادق دانست که، به دور از هر گونه جانب‌داری و تعصب، به گزارش و ثبت وقایع پرداخته است. با بررسی منابع مورد استفاده مسکویه و به‌ویژه تحقیق میدانی مستقیم ایشان در تاریخ آل بویه، می‌توان نگاه جهانی به ابعاد تجربه و آزمون‌های مردم، ظرافت و ارزش کار این دانشمند را بازشناخت.

منابع و مأخذ

- آئینه وند، صادق (۱۳۷۷)، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن بلخی (۱۳۴۳)، *فارسنامه*، به کوشش علینقی بهروزی، شیراز، اتحادیه مطبوعاتی فارس.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۱ق)، *العبر*، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر.
- ابن العبری، ابوالفرج (۱۹۹۲م)، *تاریخ مختصر الدول*، تحقیق انطون صالحانی الیسوعی، بیروت، دار الشرق، ط الثالثة.
- بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۹۵۱م)، *هدیه العارفين*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، نشر نو.
- توحیدی، ابوحیان (۱۴۱۷ق)، *اخلاق الوزیرین*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- _____ (۱۴۲۵ق)، *الامتناع والموانسه*، تحقیق غرید الشیخ محمد، ایمان الشیخ محمد، بیروت، دارالکتب العربی.
- ثعالبی نیشابوری، ابو منصور عبدالملک (۱۳۰۴ق)، *یتیمه الدهر*، به کوشش مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- _____ (۱۴۰۳ق)، *تمه یتیمه الدهر*، ج ۲، شرح و تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حموی، یاقوت (بیتا)، *معجم الادباء*، ج ۳، بیروت، دارالتراث العربی.
- حموی، یاقوت (۱۴۰۰ق)، *معجم الادباء*، ج ۵، بیروت، دارالفکر.
- خوانساری، میرزا محمد باقر (۱۳۹۰ق)، *روضات الجنات*، ج ۲، قم، اسماعیلیان.
- رودراوری، محمد (۱۳۷۹)، *ذیل تجارب‌الامم*، به کوشش ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۴)، *علم التاریخ عند المسلمین*، ترجمه صالح احمد علی، بغداد، بی‌نا.

- (۱۳۷۵)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی.
- زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۹م)، *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، بیروت، دار العلم للملایین، ط الثامنۀ.
- زریاب خویی، عباس (بی‌تا)، *مورخان ایران در دوره اسلام*، تهران، وزرات کلام.
- سجادی، صادق و هادی عالم زاده (۱۳۸۶)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران، سمت.
- سجستانی، ابوسلمان محمد بن طاهر (۱۳۵۳)، *صوان الحکمه و ثلاث رسائل*، به کوشش عبدالرحمان بدوی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- صابی، هلال (۱۹۵۸م)، *الوزراء*، به کوشش عبدالستار احمد فراج، قاهره، دار الآفاق العربیه.
- صدقی، ناصر (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی*، تهران پژوهشکده تاریخ اسلام.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۳۳)، *تاریخ ادبیات از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی*، تهران، فردوس.
- صفدی، خلیل بن ایبک (۱۴۲۰ق)، *الوافی بالوفیات*، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۵)، *تاریخ*، ترجمۀ ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- قفطی، جمال الدین علی (۱۳۷۱)، *تاریخ الحکماء*، ترجمۀ بهین دارابی، تهران، دانشگاه تهران.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۸)، *کارنامه اردشیر بابکان*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- کایتانی، لئون (۱۳۶۳)، *مقدمه‌ای بر کتاب تجارت الامم*، ترجمۀ پرویز اذکایی، مندرج در یادنامه فخرایی، به کوشش رضازاده لنگرودی، تهران، نشر نو.
- ماجد، فخری (۱۳۷۲)، *سیر فلسفه در جهان اسلام*، ترجمۀ فارسی زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- متز، آدام (۱۳۶۲)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم*، ترجمۀ علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، سخن.
- محقق، مهدی (۱۳۷۱)، *مبانی اخلاقی فلسفه در اسلام*، هفتاد مقاله، ج ۲، به کوشش یحیی

- مهدوی و ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- مسکویه، ابوعلی (۱۳۹۸ق)، *تهذیب الاخلاق*، قم، بیدار.
- _____ (۱۳۷۶)، *تجارب‌الامم*، ج ۶، ترجمه علینقی منزوی، تهران، توس.
- _____ (۱۳۸۹)، *تجارب‌الامم*، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
- مستوفی، حمد الله بن ابی بکر بن احمد (۱۳۶۴ش)، *تاریخ‌گزیده*، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیر کبیر، چ سوم.
- مقدسی، ابو عبدالله (۱۳۶۱)، *احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم*، ج ۲، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- مینوی، مجتبی (۱۳۵۴)، *مقدمه نامه تنسیر به گشنسب*، تهران، خوارزمی.
- هنری، توماس (۱۳۶۲)، *بزرگان فلسفه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، علمی فرهنگی و کیهان.